

شترق

روزنامه

آرایش درختان خرما در بوشهر. عکس: حسین استوار، فارس



صنّف

خبرنگاری که امدادگر شد

تصادف اتوبوس خبرنگاران حوزه محیط زیست در جاده نقده، دو کشته داشت؛ مهشاد کریمی و ریحانه یاسینی وکش مصدوم بدحال و ۲۱ مصدوم. خبرنگاران پنجشنبه به تهران بازگشتند با جنازه دو همکار و در این چند روز هم خاکسپاری و مجلس ترحیمشان با اشک و اندوه بسیار برگزار شد. امروز هم برای مهشاد کریمی، دختر جوانی که این روزها عروسی‌اش بود در جهاد دانشگاهی مجلس یادبودی گرفته می‌شود. اما دو نفر هنوز در بیمارستان هستند؛ حسن ظهروی و ابراهیم

نژادرفیع. در این گزارش که سایت هلال‌احمر منتشر کرده است، درباره دلایل بدحالی حسن ظهروی که در این مدت دو بار عمل شده، گزارش شده است. رضا واعظی‌زاده نوشته است: «اینجا در پایگاه اطلاع‌رسانی جمعیت هلال‌احمر، ساختمان ستادی بودیم. ساعات شیفت عصرگاهی چهارشنبه ۲ تیرماه بود که سازمان امداد و نجات خبر حادثه را فرستاد. «گزارش اولیه: واژگونی اتوبوس حامل خبرنگاران میهمان سازمان محیط زیست، محل حادثه؛ محور نقده حوالی روستای بیگم‌قلعه. ساعت حادثه: ۱۷:۴۵. تیم‌های اعزام: ۳ تیم امداد و نجات حیدرآباد و شهرستان نقده و یک تیم امداد هوایی اعزامی از تبریز. مصدوم: ۲۱ نفر. فوت‌شده: دو نفر. براساس اعلام اورژانس حال شش نفر از مصدومان وخیم گزارش شده.»

کوهی از غم بر سررمان ریخت. لحظه سختی بود. اشک می‌ریختم و خبر را در پورتال تایپ می‌کردیم. اما خبرهای موق و دقیق را باید از سازمان امداد و نجات دریافت کرد. در گزارش‌های تکمیلی، آرام‌آرام امیدوار شدیم که احتمال افزایش آمار درگذشتگان زیاد نیست. خبرنگاری هیچ‌وقت تا این اندازه سخت نخواهد بود که خبر درگذشت و تصادف دوستان و همکارانت را تنظیم و منتشر کنی.

سیدحجت‌الله مدنی رئیس شعبه شهرستان نقده جمعیت هلال‌احمر درمورد عملیات امداد این حادثه می‌گوید: «حادثه قبل از ساعت ۱۷:۳۰ اتفاق افتاده است. اولین تماس را اورژانس در ساعت ۱۷:۵۰ با مرکز کنترل و هماهنگی عملیات هلال‌احمر برقرار کرد و تقاضا کرد با توجه به تعداد بالای مصدومان آمبولانس‌های جمعیت را اعزام کنیم. البته اورژانس اعلام کرده که اولین تماس با مرکز در ۱۱۵ ساعت ۱۷:۴۵ بوده و آنها نیز پنج دقیقه بعد از هلال‌احمر درخواست کمک کردند». حمید عباسیان جناگر تیم امداد و نجات اعزامی از شهر نقده می‌گوید: «ما ۲۶

سه‌شنبه ۸ تیر ۱۴۰۰ • ۱۸ ذی‌القعدة ۱۴۴۲ • ۲۹ ژوئن ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۴۰۳۸ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۸ • اذان مغرب ۲۰:۴۵

اذان صبح فردا ۴:۰۵ • طلوع آفتاب ۵:۵۲

فardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

نور نوشت 



دغدغه‌های طبیعیانه

دردم نهفته به ز طبیبان مدعی



عبدالرضا ناصرمقدسی
متخصص مغز و اعصاب

آن قدر خبر بد در این سرزمین هست، خبرهایی که نه‌تنها دغدغه‌های طبیعیانه محسوب می‌شوند بلکه انکار به درمان و دغدغه یک طبیب نیزمقاوم‌اند، آن‌قدر مقاوم که گاه نمی‌دانم باید درمورد کدام‌یک بنویسم و اصلا باید بنویسم یا نه؟ درباره کدام‌یک از موارد زیر بنویسم؟ درباره آن بانوی قربانی اسیدپاشی که فقط به‌خاطر انتخاب خود و اینکه در انتخابات رای داده است، این‌بار قربانی فرهنگ مسموم عده زیادی از مردمی شد که اهمیتی به انتخاب دیگری نمی‌دهند یا مرگ دو خبرنگار محیط زیست به دلیل اشتباه در ساختار مدیریتی این مملکت و عدم توجه به جان مردمان یا مرگ پنج سرباز معلم که می‌رفتند تا در محروم‌ترین مناطق این کشور به کودکان سواد بیاموزند و نرسیده جان خود را در این راه از دست دادند. فقط باید دل سا بر این همه جفا بسوزد و نادمانه دنبال وقایعی باشیم که شاید دست ما را گرفته از این منجلاب نجات دهد. می‌خواستم درباره یکی از اینها بنویسم که ناگهان با جملات بسیار تکان‌دهنده سخنگوی سازمان غذا و دارو روبه‌رو شدم که پایانی بر انتظار هر امیدی در این سرزمین بود. کسی که مسئولیت حفظ جان و سلامت این مردم را برعهده دارد، حالا مردم این سرزمین را با القابی بسیار زشت خطاب کرده و نه‌تنها بر سر موضع خود مانده و آن را تکرار کرده بلکه مابقی مسئولان مربوطه هم هیچ واکنشی به این سطح از زشتی نشان نمی‌دهند. نمی‌دانم درخواست اطلاعات کامل درباره واکنسی که قرار است مردم بزنند تا جانشان در برابر هجمه کرونا حفظ شود، چقدر عجیب است که سخنگوی سازمانی که خود در کسوت یک پزشک است، این‌گونه و به‌راحتی دست به توهین برد و کسی هم عین خیالش نباشد. سازمانی که وظیفه‌اش تأیید بهترین

شیوه درمانی برای مردم است، اکنون با توهین کار خود را پیش می‌راند. درمورد واکنسن برکت سوآلات زیادی وجود دارد که باید پاسخ داده شود. جالب است که این سوآلات نه از سوی مردم عادی جامعه بلکه از سوی معاونت پژوهشی وزارت بهداشت است. و کمیته اخلاق مطرح شده و بی‌پاسخ مانده است. وقتی که اثرگذاری این واکنسن از سوی بالاترین مقام پژوهشی این مملکت زیر سؤال بوده و کمیته اخلاق آژادسازی تزییق آن را درست نمی‌داند چرا باید زیر سؤال رفتن آن از سوی مردمی که باید این واکنسن را تزییق کنند، عجیب و ناپسند باشد. آنچه عجیب و ناپسند است رفتار سخنگوی سازمانی است که باید پاسدار این دغدغه‌ها بوده و پس از رفع این پرسش‌ها مجوز مزبور را صادر کند. اما به جای آن دست به توهین با شنیع‌ترین الفاظ به مردمی می‌زند که دستشان از همه جا کوتاه بوده و روند واکنسناسون برای آنها به بدترین شکل ممکن در جریان است و هنوز که هنوز است بخش بسیار اندکی از جامعه‌شان واکنسینه شده‌اند. یعنی این مردم حتی حق یک سوآل ساده را هم ندارند؟ و آیا چنین سخنان زشتی حاصلی جز سلب اعتماد عمومی نخواهد داشت؟

واقعا به‌عنوان یک پزشک تاب چنین سخانی را ندارم، به‌ویژه وقتی که از نسوی کسی که کسوت پزشکی را دارد، بیان شود. پزشک وظیفه‌ای جز مرهم‌گذاری در درد دیگران ندارد. چگونه ممکن است در برابر دغدغه‌های طبیعیانه، یک پزشک با الفاظ شنیع چنین جملاتی را بگوید؟ دوران کرونا که انکار تمامی ندارد، دوره بسیار سختی بوده و هست. در این دوره کادر درمان نشان دادند که در کنار مردم بوده و برای آنها سینه سپر می‌کنند. حتی اگر شرایط از این هم بدتر شود، رفتار این قشر تغییر نخواهد کرد. کادر درمان اعم از پزشک، پرستار و سایر زحمت‌کشان این حوزه دغدغه اصلی‌شان نه حفظ منافع عده‌ای خاص بلکه حفظ جان و سلامت مردم با هر روش، منش، دین و مسلکی است. امیدوارم روزی در این سرزمین خط‌مشی اصلی حاکمان ما نیز این‌گونه شود.

نجات برای انتقال به بیمارستان ارومیه، حسن را شناخته است و تعریف می‌کند: یک آقایی بود که از چند نقطه شکستگی و آسیب جدی داشت. اما به همه امید می‌داد. حواسش به همه‌جا بود. لحظه بلندکردن برانکاردش می‌گفت بچه‌های هلال‌احمر گل‌اند، از ما تشکر می‌کرد. تقاضایش برای رسیدگی به دیگر خبرنگاران را برای ما و مقامات مسئول استان، طوری دقیق و محترمانه بیان می‌کرد که به اشتباه فکر کردیم سرپرست خبرنگاران اعزامی بوده! از خبرنگار

مصدومی بود که به امدادگران انگیزه و امید می‌داد در حالی‌که وضع خودش وخیم بود. آموزش‌های اولیه امداد را می‌دانست و معلوم بود توانمندی مدیریت در بحران را دارد. ما در ساختمان ستادی هلال‌احمر لحظه به لحظه اخبار را پیگیری می‌کردیم. مهدی ولی‌پور رئیس سازمان امداد و نجات در اولین مذاقبق اطلاع از حادثه، ما را از دستور اعزام تیم امداد و نجات هوایی تبریز، مطلع کرد. عملیات امداد هوایی را دنبال می‌کردیم. ۱۹:۴۸ بود که تصاویر زنده فرود بالگرد میل ۱۷۱ هلال‌احمر در زمین چمن ورزشگاه تختی شهر نقده را می‌دیدیم. فاصله بیمارستان شهر نقده تا این ورزشگاه بسیار کم است. مصدوم اول را وارد بالگرد کردند. حدود ۴۵ دقیقه طول کشید تا آمبولانس اورژانس، سه مصدوم دیگر را که یکی از آنها حسن ظهروی بود، از بیمارستان به محل توقف بالگرد منتقل کند. پرواز انجام شد. وقتی هلیکوپتر امداد در فرودگاه ارومیه نشست، شب بر آسمان و زمین غلبه کرده بود. آمبولانس مصدومان را به بیمارستان رساند. آخرین فرصت نجات بود. تیم پزشکی درمورد ظهروی گفته است که مصدوم به دلیل فعالیت بیش از حد فیزیکی در زمانی که آسیب‌دیدگی دنده داشته، دچار آسیب‌دیدگی ریه شده است. وقتی به بیمارستان رسید؛ تخریب ریه، مرگ و زندگی او را به هم نزدیک می‌کرد. امکان اتلاف زمان برای تزریق بییهوشی و رسیدگی در اتاق عمل نبود. فوری بدن او را تحت فشار فیزیکی می‌گذارند تا خون و مایعات ریه را تخلیه کنند. او درد می‌کشند. دوباره درد می‌کشد. فردا او پس‌فردا هم درد می‌کشد. از آن لحظه به بعد، حداقل تا زمان انتشار این گزارش در صبح دوشنبه ۷ تیرماه، کسی نمی‌داند وضعیت درمانی او و در بیمارستان ارومیه چه زمانی به پایان می‌رسد. درد او چه روزی مرهم می‌گیرد و این روزنامه‌نگار همچنان در تردد بین بخش مراقبت‌های ویژه و بخش بستری است.

مترو که نگاری

شهرها چگونه خالی از سکنه می‌شوند؟

سامان موحدی‌راد

شهر خالی از سکنه بیشتر یک کلیشه سینمایی به نظر می‌رسد. آن هم در فیلم‌های آخرآلزمانی که جنگجویی برامید شهر به شهر دنیای رو به تباهی را پشت سر می‌گذارد تا به روزنه‌های امید برسد؛ اما تجربه دیدن یک شهر خالی از سکنه واقعی در دنیای کنونی چگونه خواهد بود؟ اصلا با بحران‌هایی که دنیای امروز پشت سر می‌گذارد که داشتن سرپناه و مسکن برای بخشی از مردم دنیا یک آرزوست، وجود شهرهای متروکه معنی می‌دهد؟ اما امارها نشان می‌دهند که در سراسر دنیا شهرهای متروکه فراوانی وجود دارد که هر یک به دلیل خاصی خالی از سکنه شدند. شهرهای اغلب کوچک اما در روزگاری پررونق که حالا کسی در آنها زندگی نمی‌کند. بی‌شک جنگ یکی از مهم‌ترین دلایل متروکه‌شدن برخی شهرهاست. مثل «ورش» در قبرس که روزگاری یکی از مراکز تفریحی پررونق این کشور بود و با حمله ترک‌ها به قبرس در مسیر متروکه‌شدن کام برداشت. سال ۱۹۷۴ ترک‌ها به این مرکز آن زمان لوکس تفریحی حمله کردند و این مسئله منجر به فرار اهالی این منطقه شد. شهروندان فراری فکر می‌کردند به‌زودی به خانه‌های‌شان بازمی‌گردند اما این خیالی خام بود. برندگان جنگ دور شهر را دیوارهایی از سیم خاردار کشیدند و این منطقه برای همیشه خالی از سکنه شد. تلاش‌های بشر برای دستیابی به منابع هم یکی دیگر از دلایل متروکه‌شدن شهرها در سراسر دنیاست؛ برای مثال شهر کوچک «بودی» در کالیفرنیا در میانه قرن هجدهم به دلیل وجود معدنی در آن تأسیس شد و بعد از آتش‌سوزی گسترده در اوایل قرن نوزدهم برای همیشه متروکه شد. «جزیره هاشیما» در ژاپن که به دلیل استخراج زغال‌سنگ مسکونی شد اما با تغییر سوخت دنیا از زغال‌سنگ به نفت متروکه شد. در میان شهرهای متروکه جهان «کراکو» در ایتالیا

تجربه دیگران

وقتی قلب مردم کره شمالی می‌شکند

• برای بسیاری از ما کره شمالی تصویری است دور از دسترس که هرگونه مقایسه‌ای با آن می‌تواند برایمان دهشتناک باشد. وقتی هم درباره رفتارهای کیم جونگ اون خبرهایی می‌شنویم، دچارشدن به آن وضعیت برایمان خیلی دور به نظر می‌رسد و معتقدیم در این زمانه امکان این‌گونه سخن‌گفتن یا رفتارکردن وجود ندارد؛ برای مثال این خبری که ایسنا درباره سلامتی او به نقل از رسانه‌های کشورش منتشر کرده است؛ آر‌تی، تلویزیون رسمی کره شمالی، مصاحبه‌ای از شهروندی را منتشر کرد که نسبت به لاغرترشدن کیم جونگ اون، رهبر این کشور که در نشست عمومی اخیر حزب کارگران حاکم حاضر شده بود، شدیداً ابراز نگرانی کرد.

این شهروند می‌گوید کاهش وزن شدید کیم «قلب‌های مردم را شکست» و همه شهروندان می‌گویند آنها بعد از دیدن آن تصاویر اشک ریختند.

تلویزیون رسمی کره شمالی اما هیچ توضیحی درباره علت کاهش وزن کیم ارائه نکرد. احتمال می‌رود این گزارش که گزارشی بسیار نادر از رسانه‌های کره شمالی درباره وضعیت سلامتی و جسمانی کیم است، به ادعاهای متعدد درباره این موضوع دامن بزند.

قبلا در گزارش‌های خبری آمده بود، وزن کیم که قبلاً ۱۴۰ کیلو بوده کاهش یافته و به گفته برخی ناظران، او بین ۱۰ تا ۲۰ کیلوگرم وزن کم کرده است. این مسئله گمانه‌زنی‌هایی را به دنبال داشت که برخی آن را ناشی از رنج‌های مربوط به یک بیماری خطرناک یا تلاش برای بهبود وضعیت سلامتی‌اش می‌دانند. وضعیت جسمانی کیم بدون ارائه هیچ دلیلی برای اثبات ناساعدشدن حالش بارها مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته است. در واقع چندی پیش نیز گاردین در این زمینه گزارشی منتشر کرده بود که در آن کیم به‌طور درخورتوجهی لاغرتر به نظر می‌رسید. این تصاویر ظاهرا نشان می‌دهند

که مچ دست چپ کیم جونگ اون در مقایسه با تصاویر مشابه گرفته‌شده در نوامبر ۲۰۲۰ و مارس ۲۰۲۱ لاغرتر شده است. کیم جونگ اون که به‌شدت سیگار می‌کشد و پدرش «کیم جونگ ایل» نیز در دسامبر ۲۰۱۱ بر اثر سکته قلبی جان باخت، به خاطر وزن و سبک زندگی‌اش با مشکلات جسمی دست و پنجه نرم می‌کند. شاید این شیوه خبررسانی درباره رهبر کشوری عجیب به نظر برسد اما هرگونه اطلاعی درباره این کشور کاملاً محدود و کاتالیزه شده است. در شبکه‌های سراسری ویدئوهای معدودی درباره نحوه زندگی در این کشور وجود دارد. کشوری که در آن به قول بسیاری امکان رقصیدن، شادبودن و حتی خرید آسمان به‌سختی ممکن است. بسیاری گرسنه هستند و بسیاری درگیر تأمین مایحتاج خود. به‌تازگی سربالی در کره جنوبی ساخته شده بود که درباره حضور یک دختر پولدار در این کشور بود. هرچند یان سرایل با عنوان در میدان عشق، سعی کرده بود به طنز به تفاوت‌های یک پولدار و یک افسر قبیرداخل و با بیان تضادهای‌شان موقعیت کیمک خلق کند؛ اما بر بستری از واقعیت درباره خبرهایی که از این کشور منتشر شده، استوار بود. اتفاقی که پیش‌تر نیز در برخی کتاب‌ها نمونه‌های آن بیان شده بود؛ مثلاً کتابی که با عنوان رودخانه تباهی که چند سال پیش منتشر شد، براساس داستان و زندگی‌نامه ماساچی ایشیکاوا است و

در آن به بحث گرسنگی و کار در مزارع اشتراکی اشاره شده است. او‌که توانسته در سال ۱۹۹۶ از کره شمالی فرار کند، درحالی‌که هنوز آرزو دارد همسر و فرزندانش را از این کشور نجات دهد. در این کتاب هم از تلاش‌های اجباری، گرسنگی و بیسش از حد و گرفتاری در مسیر و خوردن علف نوشته شده است. از سرزمینی حکایت شده که انسان کوچک‌ترین ارج و قربی ندارد. واقعیت خبرهایی که درباره کره شمالی و به‌تدریج و به صورت محدود منتشر می‌شود، از یک ناامیدی حکایت دارد. ناامیدی از صلح، صلحی که انکار هرگز بین این کشور و دنیا رخ نمی‌دهد. مردمش روزبه‌روز فقیرتر می‌شوند و دیوار دور این کشور بیشتر و بیشتر با موشک‌های هسته‌ای محکم‌تر می‌شود.

آر‌تی؛ پخش مصاحبه یک شهروند درباره وضعیت سلامتی کیم جونگ اون از تلویزیون رسمی کره شمالی واکنش‌هایی را به همراه داشته است. در این مصاحبه شهروندی می‌گوید کاهش وزن شدید کیم «قلب‌های مردم را شکست» و همه شهروندان می‌گویند آنها بعد از دیدن تصاویر اشک ریختند. این تلویزیون هیچ توضیحی درباره علت کاهش وزن کیم ارائه نکرد.



یو‌یو‌توز؛ زُردی کوشارت، یکی از رهبران جدایی‌خواهان کاتالونیا که به دلیل مشارکت در اقدام برای استقلال این منطقه سه سال و هشت ماه را پشت‌میله‌های زندان گذراند، اکنون پس از برخورداری از فرمان بخشش دولت اسپانیا می‌گوید از کار خود پشیمان نیست. او می‌گوید: دولت اسپانیا خواست همه‌چیز را بازم اما فقط ترسم را باختم.

بی‌بی‌سی؛ هریسون فورد هنگام تمرین صحنه مبارزه برای آخرین فیلم از مجموعه ایندیانا جونز از ناحیه کتف آسیب دید. این ستاره ۷۸ساله بار دیگر به نقش باستان‌شناس به فیلم ایندیانا جونز بازگشته است. پنجمین و آخرین فیلم این مجموعه در هفته‌های اخیر در بریتانیا در حال فیلم‌برداری است و قرار است در سال ۲۰۲۲ اکران شود.

تایمز؛ آلمان درصدد ممنوع‌کردن ورود مسافران بریتانیایی به کشورهای عضو اتحادیه اروپاست. صدراعظم آلمان با توجه به گسترش چشمگیر گونه جهش‌یافته هندی ویروس کرونا موصوم به دلتا در بریتانیا قصد دارد این کشور را در «دسته کشورهای «نگران‌کننده» قرار دهد. این تصمیم مجزا از مقررات و دستورالعمل‌های جاری برای جلوگیری از شیوع بیماری کووید ۱۹ است.

ایرنا؛ پس از کناره‌گیری «مت هنکاک» از وزارت بهداشت انگلیس، «ساجد جاوید» به‌عنوان جانشین او برای هدایت سکان مدیریت بحران کرونا معرفی شد. دفتر نخست‌وزیری انگلیس اعلام کرد که الیزابت دوم، ملکه این کشور انتصاب نام‌برده را تأیید کرده است. جاوید پیش‌تر وزیر کشور، مسکن و جوامع محلی و تجارت بین‌الملل انگلیس بوده است.

اینستاگرام؛ بریتنی اسپیرز در حساب اینستاگرامش از هوادارانش عذرخواهی کرد. او دلیل این عذرخواهی را «تظاهر به خوب‌بودن حالش» در روزهای سخت زندگی‌اش عنوان کرده است. این ستاره موسیقی پاپ اعلام کرده که در روزهایی که تحت قیومیت پدرش بوده روزگار سختی را می‌گذراند و‌لی به دلیل غرورش تا پیش از این درباره رنج‌هایش صحبت نکرده است.